

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست توصیفی - تحلیلی مقالات مربوط به
فردوسی و شاهنامه



انتشارات
۸۴۱

از سال ۱۲۹۴ تا ۱۳۸۰



کتاب علمی فردوسی و شاهنامه

دکتر زهرا سیدبیدی

عضو هیئت علمی دانشگاه ولی عصر رفسنجان

دکتر مرضیه خافی

با نظارت:

دکتر محمدجعفر یاحقی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Sayyedyazdi, Zahra, 1972-

سید یزدی، زهرا، ۱۳۵۱ -
فهرست توصیفی - تحلیلی مقالات مربوط به فردوسی و شاهنامه از سال ۱۲۹۴ تا ۱۳۸۰ / زهرا
سید یزدی، مرضیه خافی؛ با نظارت محمدجعفر یاحقی.
مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات، ۱۴۰۱، ص.
۱۰۲۴.

ISBN: 978-964-386-534-4

Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh – Bibliography

Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Catalogs

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:

فروست:
شابک:

وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:

موضوع:

فیفا.
کتابنامه: ص. [۱۰۰۵] - ۱۰۲۴.

فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه - کتابشناسی

فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- فهرستها

شناسه افزوده: خافی، مرضیه، ۱۳۶۲ -

شناسه افزوده: یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۲۶ -

شناسه افزوده: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.

رده بندی کنگره: Z۸۵۷۴

رده بندی دیویی: ۸۱۱/۲۱۰۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۷۲۷۶۶

فهرست توصیفی - تحلیلی مقالات مربوط به فردوسی و شاهنامه

از سال ۱۲۹۴ تا ۱۳۸۰

پدیدآورندگان: دکتر زهرا سید یزدی؛ دکتر مرضیه خافی

با نظارت: دکتر محمدجعفر یاحقی

ویراستار ادبی: دکتر اعظم نیک خواه فاردقی

مشخصات: وزیری، ۵۰ نسخه، چاپ اول، تابستان ۱۴۰۱

چاپ و صحافی: چاپخانه دقت

بها: ۴/۵۰۰/۰۰۰ ریال

حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.

مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس

تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)

مؤسسه کتابیران: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین روانمهر و وحید نظری، بن بست

گشتاسب، پلاک ۸ تلفن: ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)

مؤسسه دانشیران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منبری جاوید (اردیبهشت) نیش خیابان نظری، شماره ۱۴۲

تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: press@um.ac.ir



فهرست

۵ دو کلمه هم در آغاز.....
۷ پیش‌گفتار.....
۱۷ زندگی‌نامه، شخصیت و مقام فردوسی و شاهنامه.....
۱۵۱ متن‌شناسی.....
۱۵۱ الف) دست‌نویس‌های شاهنامه.....
۱۵۱ دست‌نویس فلورانس.....
۱۶۱ دست‌نویس سعدلو.....
۱۶۳ دست‌نویس شاه طهماسبی.....
۱۶۹ دست‌نویس بایسنقری.....
۱۷۰ دیگر دست‌نویس‌ها.....
۱۸۱ ب) منابع شاهنامه.....
۱۹۹ ج) تصحیح و توضیح / شرح و گزارش.....
۳۲۱ اسطوره‌شناسی.....
۳۴۳ تحلیل‌های داستانی و شخصیت‌های شاهنامه.....
۳۴۳ رستم و اسفندیار.....
۳۵۲ رستم و سهراب.....
۳۷۱ اسفندیار.....
۳۷۷ سیاوش.....
۳۸۶ زال.....
۳۸۸ ضحاک و فریدون و کاهه.....
۳۹۸ پیران.....
۴۰۰ رستم.....

۴۱۰	افراسیاب
۴۱۱	بیژن و منیژه
۴۱۶	باربد
۴۱۷	مانی
۴۱۸	سودابه
۴۱۹	مزدک
۴۲۰	نوش زاد
۴۲۱	بهرام چوبینه
۴۲۲	کیخسرو
۴۲۵	کیومرث
۴۲۷	شخصیت‌ها و داستان‌های گوناگون
۴۵۵	پژوهش‌های زبانی و واژگان
۴۸۳	نام‌شناسی شاهنامه / اعلام
۴۸۳	الف. مکان‌ها
۴۹۶	ب) اشخاص
۵۰۵	وجوه ادبی / بلاغت و سبک شاهنامه
۵۲۵	مفاهیم شاهنامه
۶۷۳	مطالعات تطبیقی
۶۷۳	الف) بررسی تطبیقی شاهنامه با آثار فارسی
۷۱۲	ب) بررسی تطبیقی شاهنامه با آثار غیر فارسی
۷۵۵	شاهنامه در خارج از مرزهای ایران
۷۵۵	ترجمه‌های شاهنامه / شاهنامه و ملل
۷۸۷	معرفی و نقد آثار مرتبط با شاهنامه و فردوسی
۸۸۷	گزارش همایش‌های مرتبط با شاهنامه و فردوسی
۸۹۷	شاهنامه‌خوانی و نقالی
۹۰۵	شاهنامه و مردم
۹۱۳	یوسف و زلیخا
۹۲۳	شاهنامه، فرهنگ و هنر
۹۴۳	مقالات گوناگون / کلیات / متفرقه
۱۰۰۳	فهرست مقالات یافت‌نشده
۱۰۰۵	کتاب‌نامه

دو کلمه هم در آغاز

مسیر پژوهش‌ها حتی پژوهش‌های ادبی را امروز فضای مجازی معین می‌کند؛ یعنی میدان تحقیق و پیشینه کار براساس داده‌های موجود در دنیای مجازی تعریف و مرزبندی می‌شود. این تلقی قطعاً از نیاز و بایسته‌های دانش‌های نوین یعنی علوم تجربی سرچشمه می‌گیرد که در اثر تجربه و پیشرفت علم، هر روز نظر جدیدی جای نظریه‌های قبلی را می‌گیرد و به اصطلاح یافته‌های پیشین را از اعتبار می‌اندازد. اگر این فرآیند در علوم تجربی درست و پاسخگو باشد، قطعاً در علوم نظری و به ویژه شاخه‌هایی از علوم انسانی مانند ادبیات و تاریخ دست‌کم قطعی و مطلق نیست. چه بسا داده‌ها و پژوهش‌های بنیادینی که سال‌ها پیش صورت گرفته و هنوز هم نه تنها قطعیت خود را از دست نداده؛ بلکه خود پایه و مبنای بسیاری از پژوهش‌های بعدی قرار گرفته است. شاخه شاهنامه‌شناسی در ادبیات مصداق بارز همین وضع است و اغلب حرف‌های پیشینیان در این مورد نه تنها کهنه نشده؛ بلکه هرچه زمان بر برخی از آنها می‌گذرد، آب‌دیده‌تر و استوارتر جلوه می‌کند. چه کسی می‌تواند پژوهش‌ها و یافته‌های تقی‌زاده و فروغی و مینوی و این اواخر ریاحی و خالقی مطلق را در مورد فردوسی و شاهنامه نبیند و یا کهنه و در نتیجه نادیده بینگارد؟

با توجه به همین نگره و ضرورت آشنایی نسل نو با کارهای پیشینیان در مورد فردوسی و شاهنامه بود که از سال‌ها پیش در این قطب علمی به فکر تدوین کتاب‌ها و فهرست‌هایی بودیم که پژوهشگران امروز را به کارها و یافته‌های پیشگامان فردوسی‌شناسی رهنمون باشد. کتاب‌های مربوط به فردوسی و شاهنامه در کتاب‌شناسی فردوسی زنده‌یاد ایرج افشار به اختصار و تا یک دوره‌ای به اجمال معرفی شده بود و فی‌الجمله حاجت پژوهندگان را برآورده می‌کرد؛ فهرست اجمالی عمده‌ترین مقالات هم در دوره فهرست مقالات فارسی ایرج افشار تنها شناسایی شده بود و البته کار ما را از جهتی آسان می‌کرد. آنچه ناشده مانده بود، معرفی تفصیلی و تحلیلی و موضوع‌شناسی این مقالات بود تا خواننده را به محتویات هر مقاله و ارزش و اعتبار آن رهنمون بشود و بداند برای هرکاری به کجا باید مراجعه کند. این در حالی بود که می‌دانستیم که عمده‌ترین یافته‌های پژوهشگران را می‌شود در مقالات آنها یافت؛ مقالاتی که

در نشریه‌های قدیمی و اغلب نایاب و دور از دسترس منتشر شده بود. طبیعی بود که خلاصه‌نویسی، موضوع‌بندی و یافتن نسبت این مقالات با یک‌دیگر و با سایر پژوهش‌ها؛ یعنی مأخذیابی و تعیین میزان اصالت و ارج و وزن پژوهشی هر مقاله کاری بود که محققان بعدی را سخت به کار می‌آمد.

به این منظور و برای پرکردن جای خالی چنین پژوهشی بود که دو تن از دانشجویان دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی آن سال‌ها یعنی خانم‌ها: زهرا سیدیزدی و مرضیه خافی را به این موضوع توجه دادم و هرکدامشان کار مقاله‌شناسی و بررسی و نقد و تحلیل موضوعی این مقالات را تا دوره‌ای، به‌عنوان موضوع رساله دکتری خود انتخاب کردند و زیر نظر و با راهنمایی این جانب برابر شیوه‌ای که برای کار تعریف شده بود، مقالات شناسایی شده در دوره‌های فهرست مقالات فارسی ایرج افشار را تا سال ۱۳۹۰ موضوع‌بندی، نقد و بررسی و ریشه‌یابی کردند و نشان دادند که هرکدام از این مقالات از دیدگاه پژوهشی چه وزنی دارند و نقص و کمبودهای آن‌ها کدام است. موضوع‌بندی مقالات و تهیه کليدواژه برای هریک براساس نیازهای عمده شاهنامه‌شناسی، می‌توانست کار مراجعه‌کننده به آنها را آسان کند و جوینده را زودتر به مقصد برساند. آنچه برعهده تعویق مانده بود، درهم‌کردن این دو رساله با بررسی حدود دو هزار مقاله نوشته‌شده در فاصله حدود سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۸۰ یعنی دوران پیشامجازی و درآوردن آن به‌صورت پژوهشی واحد با سان و سیرتی علمی و قابل استفاده برای شاهنامه‌شناسان بود که آن هم بالاخره پس از چند سال تأخیر میسر شد. بدیهی است گردآورندگان دو مجموعه یعنی صاحبان اصلی کار، سال‌ها پیش فارغ‌التحصیل شده و پی‌کار خود رفته بودند. پس از هماهنگی با نام‌برندگان به‌ناگزیر از دانشجوی خوش‌اندیش و بافراست آقای حامد مهرداد که با من کار می‌کرد، خواستم که این کار را انجام دهد که داد؛ همین‌جا لازم است از کوشش و دقت بی‌اندازه او قدرشناسی کنم. دانشجوی دیگر دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی خانم اعظم نیک‌خواه فاردقی هم با صرف وقت و هنر و حوصله بسیار متن درهم‌شده را به‌رغم دشواری‌هایی که داشت، بازبینی، ویرایش و صفحه‌آرایی و بر جریان چاپ زمانگیر کتاب نظارت کرد که به‌طور ویژه جای سپاس دارد. صفحه‌آرایی دشوار و پردردسر این کتاب مراقبت ویژه‌ای لازم داشت که با دلسوزی و همکاری شاعر و پژوهشگر نامبردار جناب آقای محمدکاظم کاظمی با خانم دکتر اعظم نیک‌خواه صورت گرفت؛ لازم بلکه واجب است از همکاری ثمربخش ایشان نیز یاد شود. از خانم سمیه کریمی‌پور هم که در نمونه‌خوانی این کتاب به ما یاری رسانیده است، همین‌جا سپاسگزاری می‌کنم. همچنین لازم است هم من و هم صاحبان کتاب از همکاران واحد انتشارات، که این اثر را برای نشر در سلسله انتشارات دانشگاه فردوسی پذیرفتند و راه رسیدن آن به دست شما را هموار کردند، سپاسگزار باشیم و برای همه کوشندگان مسیر دانش و اندیشه، راه سفید و هموار آرزو کنیم.

محمدجعفر یاحقی

مدیر قطب علمی فردوسی و شاهنامه دانشگاه فردوسی مشهد

و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

پیش‌گفتار

پایگاه والا و مقام بالای حکیم و شاعر نامی زبان پارسی، فردوسی طوسی بر کسی پوشیده نیست. شاهنامه، شاهکار بی‌همال او نه تنها میراثی گران‌بها برای فارسی‌زبانان و میراثی گران‌سنگ برای زبان فارسی است؛ بلکه یکی از دستاوردهای بزرگ بشری نیز به شمار می‌رود. نویسندگان و پژوهشگران بسیاری کوشیده‌اند تا شاهنامه را از دیدگاه‌های گوناگون بررسی کنند و شرحی از زندگی، اندیشه و روزگار پدیدآورنده آن به دست دهند. از این رو تا کنون شمار بسیاری کتاب، مقاله، ترجمه و پایان‌نامه در حوزه فردوسی‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی به نگارش درآمده است؛ اما هنوز جای بسیاری از پژوهش‌ها و مطالعات بنیادی خالی است. یکی از این پژوهش‌های بایسته، شناسایی و معرفی آثاری است که در پیوند با فردوسی و شاهنامه نوشته شده است.

تألیفی جامع که دربرگیرنده کلیه منابع، مراجع و مقاله‌ها با موضوعی ویژه و همچنین تحلیل و نقد آنها باشد، همواره مورد نیاز پژوهشگران ادب فارسی بوده است. از این رو، امروزه ضرورت و اهمیت تهیه کتاب‌شناسی‌ها و مقاله‌شناسی‌ها برای هر پژوهشگر و نویسنده‌ای آشکار است؛ اما غالباً در این دست آثار، تنها به مشخصات ابتدایی کتاب و مقاله مانند عنوان، نام نویسنده، زمان و محل انتشار بسنده و اطلاعات دیگر، بی‌پاسخ‌رها می‌شود. این‌گونه تحقیقات تنها جست‌وجو را آسان‌تر می‌کنند و چیزی از محتوای کتاب و مقاله به دست نمی‌دهند، درحالی‌که در اختیار داشتن تحلیل و بررسی یک پژوهش و آگاهی از گزیده آن سودمند و ضروری است. فردوسی و شاهنامه به دلیل اهمیت بسیار، موضوعاتی هستند که به چنین پژوهشی نیاز دارند.

اهمیت کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی و کاربرد آن در پژوهش از مسائل مورد پذیرش همگان است. کمتر پژوهشی بدون تکیه بر منابع و آثاری که در آن زمینه نوشته شده است، به سامان خواهد رسید. کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی، به تعیین موضوع و حدود آن نیز کمک می‌کند. از همین رو پس از انتخاب موضوع پژوهش، اساسی‌ترین مسئله، مراجعه به منابع برای گردآوری اطلاعات است. بنابراین هر پژوهشگری برای به سامان رساندن پژوهش خود به مطالعه و بازبینی کلیه آثار مربوط به موضوع

مورد نظر، نیاز دارد. آگاهی از آنها افزون بر افزایش غنای پژوهش، از هدررفتن فرصت‌ها و دوباره‌کاری‌ها پیش‌گیری خواهد کرد.

درباره ضرورت و اهمیت منبع‌شناسی، سخن ساموئل جانسون بسیار گویاست؛ آنجا که می‌گوید: «دانش بر دو قسم است؛ یکی آنچه که می‌دانیم و دیگر آنچه که تنها می‌دانیم در کجا می‌توان اطلاعاتی درباره‌اش یافت» (صمیعی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۵۹). در غرب، نخستین کتاب‌شناسی را جالینوس - پزشک یونانی - در سده دوم میلادی با عنوان کتاب‌های من تهیه کرد. پس از آن، در سال ۷۳۱ میلادی، بیدا کتاب تاریخ کلیسایی مردم انگلیس را منتشر کرد و در آخر آن شرح حالی از خود همراه با فهرستی از آثارش را درج کرد؛ اما با اختراع صنعت چاپ، نظام آموزشی دگرگون شد و کتابخانه‌ها به سرعت گسترش یافتند. یوهانس تریتامیم در سال ۱۴۹۴ م. کتاب نویسندگان کلیسایی را نوشت. در سال ۱۵۰۶ شامپیه کتابی حاوی کتاب‌های پزشکی را انتشار داد. کنراد گسنر در ۱۵۴۵ کتاب‌شناسی جهان را منتشر کرد. در سال ۱۵۴۸ جان بیل کتاب‌نامه‌ای شامل آثار نویسندگان انگلیسی انتشار داد که می‌توان آن را نخستین «کتاب‌شناسی ملی» به حساب آورد. در سال ۱۵۴۸ فرانسوادولاکرو کتاب‌شناسی فرانسوی را به زیور طبع آراست و گابریل نوده در سال ۱۶۳۲ کتاب‌نامه سیاسی را منتشر کرد (همان، صص ۱۵۶ - ۱۵۶۱).

تألیف کتاب‌شناسی به معنی مصطلح امروزی، در میان مسلمانان نیز مرسوم بوده است. در سال ۳۷۷ ق. ابن ندیم کتاب‌نامه‌ای با عنوان الفهرست به عربی تدوین کرد که از قدیمی‌ترین کتاب‌شناسی‌های جهان اسلام است. همچنین، در قرن یازدهم هجری، مصطفی بن عبدالله مشهور به حاجی خلیفه کتاب کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون را منتشر کرد. این کتاب حاوی نام کتاب‌های اسلامی و شرح احوال مؤلفان آنهاست؛ اما مهم‌ترین کتاب‌شناسی اسلامی عصر ما الذریعة الی تصانیف الشیعه تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی است. وی در سال ۱۳۲۹ نگارش کتاب خود را آغاز کرد. این کتاب ۲۶ جلد است و حدود پنجاه هزار کتاب فارسی، عربی، ترکی و اردو را که نویسندگان شیعی مذهب تألیف کرده‌اند، در بر می‌گیرد. همچنین، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی از خان بابا مشار در دوره معاصر (۱۳۳۷ - ۱۳۴۲) در بردارنده چهارده هزار عنوان کتاب‌های چاپی فارسی است. این کتاب‌شناسی نخستین فهرست نسبتاً جامع کتاب‌های چاپی فارسی به شمار می‌رود (مرادی، ۱۳۷۶، صص ۳۶ - ۴۴).

مقاله‌شناسی یا مقاله‌نامه که نوعی کتاب‌شناسی است، سیاهه‌ای از مشخصات مقاله‌های منتشرشده در نشریات ادواری است. تاریخ تهیه، تدوین و استفاده از این گروه ابزار مرجع‌شناسی، چندان قدیمی نیست. در سده هجدهم پس از انقلاب صنعتی و توسعه پژوهش و تحقیق، مقالات علمی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند.

نخستین مقاله‌شناسی به زبان فارسی، در سال ۱۳۴۰ شمسی در انتشارات دانشگاه تهران با عنوان فهرست مقالات فارسی (جلد نخست) به همت ایرج افشار منتشر شد. فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات ایران، یکی دیگر از مقاله‌شناسی‌های عمومی است که نخستین شماره آن در بهار ۱۳۵۵ از طرف

مرکز اسناد فرهنگی آسیا، وابسته به وزارت فرهنگ و هنر انتشار یافت. از دیگر منبع‌شناسی‌ها، می‌توان فرهنگ سعدی پژوهی تألیف کاووس حسن‌لی را نام برد که در سال ۱۳۸۰ چاپ و منتشر شده است. این اثر نوعی کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی است که با آثار گذشته تفاوت بنیادی دارد. کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی شیوه‌ای تازه و نو بود که نخستین بار از سوی وی در حوزه سعدی پژوهی به کار گرفته شد. در این شیوه، پژوهندگان علاوه بر نام و نشانی، با محتوای آثار نیز آشنا می‌شوند؛ افزون بر این، منابع اصلی آثار نیز مشخص می‌شود و خوانندگان می‌توانند در صورت نیاز به اصل منابع مراجعه کنند. پس از فرهنگ سعدی پژوهی، آثار دیگری به همین شیوه از حسن‌لی منتشر شده است؛ از جمله کارنامه تحلیلی خیم پژوهی با همکاری سعید حسام‌پور و کارنامه توصیفی نیم‌پژوهی با همکاری الهام کرمی‌زاده. همچنین در سال ۱۳۸۵ زینب نوروزی در رساله دکتری خود ۵۶۰ مقاله درباره نظامی را به همین شیوه بازایی، معرفی و نقد کرده است. کتاب حاضر نیز با همان شیوه پیشنهادی حسن‌لی در کتاب‌شناسی توصیفی تدوین شده است و مقاله‌ها پس از دسته‌بندی موضوعی، براساس سال انتشار ترتیب یافته‌اند. در زبان فارسی تاکنون موضوعات گوناگونی کتاب‌شناسی و فهرست‌نویسی شده است، به‌ویژه کتاب‌شناسی فردوسی و بخش‌هایی از فهرست مقالات فارسی ایرج افشار در شناسایی مقالاتی که در پیوند با فردوسی و شاهنامه نوشته شده‌اند، ارزشمند و قابل توجه هستند؛ اما در غالب این آثار، تنها به فهرستی از مشخصات عنوان مقاله‌ها بسنده شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی مقاله‌های منتشرشده درباره فردوسی و شاهنامه از آغاز تا سال ۱۳۸۰ (براساس فهرست مقالات فارسی ایرج افشار)، رویکردهای شاهنامه‌پژوهی و فردوسی‌شناسی را در مقاله‌های این دوره زمانی به‌گونه‌ای علمی و انتقادی مشخص کند، ارزش علمی آنها را بسنجد و موضوعاتی را که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، معرفی کند و نشان دهد.

در این بررسی در کنار دریافت‌های درست از زندگی و شخصیت فردوسی و اثر جاودانه‌اش، به برخی داوری‌های به‌کلی نادرست مانند: معاصر بودن فردوسی با رودکی (محمودی بختیاری، ۱۳۵۴، صص ۱۰-۱۲)، سنی بودن شاعر (شیرانی، ۱۳۵۵، صص ۱۱-۱۸۳)، شاهنامه به خواست محمود غزنوی به نظم درآمده است (مقالات متعددی)، فردوسی برای تهیه جهیزیه دختر خود به نظم شاهنامه همت گماشت (مقالات متعددی)، بی‌خوابی فردوسی در شبی (آغاز منظومه بیژن و منیژه) سبب نظم شاهنامه شده است (شیرانی، ۱۳۶۹، صص ۸۳)، پیشنهاد چاپ شاهنامه مرمهر به مهر رضاشاه پهلوی و تلفظ واژگان آن به شیوه امروزی (داراب، ۱۳۱۲، صص ۱۹۱)، و... برخوردیم. شگفت آنکه برخی از این داوری‌ها از سوی شاهنامه‌پژوهان نامدار طرح شده است. در این پژوهش، در بخش نقد و نظر به همه این موارد با استناد به گفته‌ها و آرای شاهنامه‌پژوهان برجسته به‌طور مستدل پاسخ داده شده است.

افزون بر این، درباره برخی موضوعات شاهنامه داوری‌های متناقض وجود دارد؛ مانند موضوع مازندران در شاهنامه؛ در این‌گونه موارد با تکیه بر منابع اصیل و معتبر داوری شده است. همچنین، درباره الحاقی بودن یا نبودن بیت، ابیات و قطعه یا قطعات با استناد به مقالات برجسته متن‌شناسی

شاهنامه و شاهنامه خالقی مطلق که به نظر اهل فن، مصحح‌ترین و منقح‌ترین متن شاهنامه در حال حاضر است، داوری و نقد شده است. موضوع هجونا‌مه نیز یکی از مباحث مکرر بسیاری از مقاله‌های حوزه فردوسی و شاهنامه‌پژوهی است. با تکیه بر آرای برجسته‌ترین شاهنامه‌پژوهان متأخر و متقدم معلوم شده هجونا‌مه‌ای که در برخی از نسخ شاهنامه وجود دارد، جعلی است و بیشتر ابیات آن یا فراهم آمده از جای جای شاهنامه است یا سروده دیگران که به آن الحاق شده است. ارتباط فردوسی با محمود غزنوی هم یکی دیگر از موضوعات تکراری بسیاری از آثار با موضوع فردوسی و شاهنامه‌پژوهی است. با استناد به پژوهش‌های دقیقی که آغاز نظم شاهنامه را سال ۳۷۰ ق. و جلوس سلطان محمود را سال ۳۸۷ یا ۳۸۹ ق. دانسته‌اند، نادرستی پیوند فردوسی با دستگاه غزنه، به‌ویژه در پدیدآمدن تحریر نخست شاهنامه که در سال ۳۸۴ ق. پایان پذیرفته است، برای همیشه مردود اعلام می‌شود. فردوسی در اواخر عمر برای حفظ شاهنامه و به دلیل تنگ‌دستی (که هرگز از ارزش کار سترگ وی کم نمی‌کند) بنا به توصیه دوستان، نسخه‌ای از شاهنامه را به دربار غزنه فرستاده است.

شاهنامه‌پژوهی به معنای مجموعه پژوهش‌های مرتبط با فردوسی و شاهنامه با بهره‌گیری از علوم و آگاهی‌های لازم به‌عنوان یک جریان ادبی اگرچه با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو بوده، به‌طور مستمر ادامه داشته و از عوامل گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر پذیرفته است؛ اما نقاط عطف آن، سال‌هایی است که کنگره‌ها و سمینارهایی برای بزرگداشت فردوسی و شاهنامه برگزار شده است؛ از جمله جشن هزاره در سال ۱۳۱۳ و چاپ مقالات کنگره در سال ۱۳۲۲ در کتاب هزاره فردوسی، جشنواره توس در سال ۱۳۵۴ و کنگره هزارمین سال تدوین شاهنامه در سال ۱۳۶۹. در کنار این سه رویداد عظیم، جلسات سخنرانی و بحث درباره فردوسی و شاهنامه در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ و برگزاری هفته‌های فردوسی نیز قابل ذکر است.

در این بین، نخستین فرد مهم و تأثیرگذار در جریان‌سازی شاهنامه محمدعلی فروغی است. اقدام وی در ساختن آرامگاه فردوسی و برگزاری هزاره فردوسی، اهمیت تاریخی دارد و مقالات و سخنرانی‌های او، راه‌گشای پژوهندگان بوده است. او همچنین کلیدهای مهمی برای تصحیح شاهنامه به دست داده است که هنوز هم جزء اصولی‌ترین پایه‌های تصحیح علمی - انتقادی حماسه ملی ایران محسوب می‌شود. خلاصه شاهنامه فردوسی به انتخاب وی، جزء بهترین انتخاب‌های شاهنامه است و در گسترش آشنایی با شاهنامه و فردوسی بسیار مؤثر بوده است.

پس از فروغی، مجتبی مینوی با تأسیس بنیاد شاهنامه و انتشار مجله سیمرغ، نقطه عطفی در مطالعات شاهنامه‌پژوهی به وجود آورد. بنیاد شاهنامه با نشر مقالات در عرصه شاهنامه‌پژوهی و تصحیح داستان‌هایی از شاهنامه، زمینه نقد و بررسی را در این میدان و به‌ویژه در متن‌شناسی شاهنامه تقویت کرد. جلال خالقی مطلق، برجسته‌ترین متن‌شناس شاهنامه، مولود بنیاد شاهنامه است.

ذبیح‌الله صفا از دیگر پژوهندگان تأثیرگذار در روند توجه به شاهنامه است. وی به جز تألیف اثر گران‌بهای حماسه‌سرایی در ایران که به نظر برخی از صاحب‌نظران معتبرترین کتاب در این زمینه است،

سرپرستی کنگره بزرگ جهانی را در بزرگداشت فردوسی و شاهنامه که قرار بود در سال ۱۳۶۵ برگزار شود، به عهده داشت. مقدمات کنگره هزارمین سال تدوین شاهنامه نیز در سال ۱۳۶۹ در دوره صفا انجام شده بود. در این سال با برگزاری کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی در تهران و گرد هم آمدن شاهنامه‌پژوهان برجسته ایرانی و خارجی، تحقیقات شاهنامه‌شناسی جان تازه‌ای گرفت و شاهنامه‌پژوهی حرکت رو به رشد خود را که تا امروز ادامه دارد، آغاز کرد؛ به‌گونه‌ای که شاهنامه‌پژوهی در دهه هفتاد نسبت به سال‌های پیش از آن شتاب چشم‌گیری به خود گرفته و تعداد مقالات این دهه (۱۰۹۳ مقاله) به‌تنهایی از تمام مقالات منتشرشده در هفتاد سال پیش از آن (۱۰۰۷ مقاله) بیشتر است. از جریان‌های مهم و تأثیرگذار در شاهنامه‌پژوهی که هر یک در مقالات چندی بازتاب یافته، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تصحیح‌ها، شرح‌ها و گزیده‌های مختلف شاهنامه: ارائه تصحیح‌های مختلفی از شاهنامه به کوشش جلال خالقی مطلق، پرویز اتابکی و مصطفی جیحونی و انتشار شرح‌هایی بر شاهنامه به سعی میرجلال‌الدین کزازی و مه‌ری بهفر و چاپ گزیده‌هایی از شاهنامه؛ از جمله نامه نامور از محمدعلی اسلامی ندوشن، رستم و سهراب غلام محمد طاهری مبارکه و بهین نامه باستان از محمدجعفر یاحقی به نگارش مقالات متعددی در معرفی و نقد آنها منجر شده است.

۲. بازگرداندن شاهنامه شاه طهماسبی: یکی از اتفاقات مهم مرتبط با شاهنامه در دهه هفتاد بازگشت بخش بزرگی از شاهنامه شاه طهماسبی در سال ۱۳۷۳ به ایران است که مقالات نسبتاً زیادی به معرفی این نسخه ارزشمند شاهنامه و مرور بر سرگذشت آن و ماجرای ناموفق خرید آن در دوران پیش از انقلاب و سپس معاوضه آن با یک تابلو نقاشی و بازگشتش به ایران اختصاص یافته است. نخستین بار کریم امامی به نقل ماجرای سفر بازگشت این نسخه به ایران پرداخت و سپس دیگرانی چون همایون علی‌آبادی، یحیی ذکا، سلمان فرمانفرمایان و جلال متینی به توضیح درباره این شاهنامه و نقل سرگذشت آن مبادرت کردند. در مجموع ۱۶ مقاله به طرح این موضوع اختصاص یافته است.

۳. معرفی دست‌نویس فلورانس: پس از معرفی دست‌نویس فلورانس در سال ۱۳۶۹ برای اولین بار بر سر میزان اعتبار و اصالت آن میان شاهنامه‌پژوهان اختلاف‌نظرهایی پدید آمد؛ به‌گونه‌ای که برخی آن را معتبرترین و کهن‌ترین دست‌نویس شاهنامه می‌دانند و برخی بر جعلی و کم‌ارزش بودن آن تأکید دارند. دنباله این مناقشات به دهه هفتاد نیز کشیده شده و مخالف و موافقان این نسخه ۱۰ مقاله با دیدگاه‌های متفاوت درباره آن نوشته‌اند. محمد روشن با ادعای تراشیدگی و بازنویسی تاریخ و نیز ذکر صفت مبارک برای ماه محرم در این نسخه، آن را نشانه دستبرد به تاریخ نسخه دانسته و آن را نامعتبر خوانده است. در مقابل ایرج افشار و برات زنجانی با نگارش مقالاتی به رد دلایل محمد روشن مبنی بر ساختگی بودن نسخه پرداخته و با ذکر نمونه‌هایی از ذکر صفت مبارک برای ماه محرم در متون مختلف و دیگر دلایل در اثبات صحت تاریخ کتابت نسخه، بر اصالت آن تأکید کرده‌اند. پیه‌مونتسه^۱ نیز به عنوان نخستین معرف

نسخه فلورانس در واکنش نسبت به مجعول خواندن نسخه برای راهنمایی پژوهشگران در خصوص این نسخه اعلام آمادگی کرده است. نیز چاپ شاهنامه فلورانس با گزارش ابیات و واژگان دشوار به قلم عزیزالله جویینی موضوع دو مقاله قرار گرفته است که جویینی نیز با انتشار دو مقاله به این دو نقد پاسخ داده است. ۴. انتشار کتاب دیویدسن و مقاله دیویس: انتشار کتاب شاعر و پهلوان در شاهنامه از الگا دیویدسن^۲ و مقاله «مسئله منابع فردوسی^۳» از دیک دیویس^۴ و طرح این فرضیه که مأخذ عمده شاهنامه روایات شفاهی است، یک باره موجی از مقالات انتقادی را در مخالفت با آن برانگیخت. پژوهندگانی چون خالقی مطلق، امیدسالار و متینی با نوشتن مقالاتی مفصل و نقدهایی مؤثر و با شواهد و استدلال‌های قانع‌کننده به رد این دیدگاه و دفاع از فردوسی و اثبات استفاده کردن او از منابع کتبی پرداختند. در مجموع نه مقاله به صورت کامل به این موضوع مربوط است.

۵. عرضه دست نویس سعدلو: عرضه نسخه‌ای کهن از شاهنامه که متعلق به قرن هشتم و کهن‌ترین نسخه یافت شده شاهنامه در ایران است، از طرف خاندان سعدلو به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و چاپ نسخه برگردان آن به همت همین مرکز در سال ۱۳۷۹، نگارش مقالات چندی را سبب شده است. ایرج افشار برای اولین بار در یادداشتی مختصر به معرفی این نسخه تازه خریداری شده پرداخت و اندک زمانی بعد فتح‌الله مجتبابی در مقاله‌ای به صورت مفصل با برشمردن ویژگی‌های ظاهری، خصوصیات املائی و رسم‌الخط به معرفی این نسخه مبادرت کرد. در معرفی این نسخه سه مقاله و در معرفی و نقد چاپ نسخه برگردان آن نیز سه مقاله پدید آمده است.

۶. سخنرانی شاملو در امریکا: پس از سخنرانی جنجالی شاملو در دانشگاه برکلی امریکا، عده زیادی با نوشتن مقاله و گاه کتاب نسبت به آن عکس‌العمل نشان داده و به شیوه‌های گوناگون نادرستی سخنان وی را آشکار ساختند. در ادامه مقالاتی که پیش از دهه هفتاد در واکنش به نظر شاملو نگاشته شد، در این دهه نیز در هشت مقاله به این موضوع پرداخته شده است. از آن جمله است مقالات جلیل دوستخواه، علی سجادی و ناصر آقاجری که به صورت کامل به این موضوع اختصاص دارد و در پنج مقاله دیگر در کنار طرح موضوعات دیگر به این مسئله نیز پرداخته شده است.

۷. تعیین روزی به عنوان روز فردوسی: درباره تعیین روزی به نام روز فردوسی نظریات مختلفی ابراز و تاریخ‌های گوناگونی پیشنهاد شده است؛ آیدنلو در مقاله‌ای ۲۵ اسفندماه را بر بنیاد بیتی از شاهنامه در تاریخ پایان آن (سرآمد کنون قصه یزدگرد/ به ماه سپندارمذ روز ارد) بهترین و مستندترین روز به عنوان روز فردوسی دانسته است. یا حقی در واکنش به این نظر و در توجیه انتخاب ۲۵ اردیبهشت ماه به عنوان روز فردوسی و چرایی ترجیح آن بر ۲۵ اسفند، دلایلی چون منطبق نبودن تقویم یزدگردی با تقویم جلالی، مناسب نبودن اسفندماه از نظر فصل و زمان، مناسبت لفظی اردیبهشت با ارد و دور نبودنش از اسفند و

1. Poet and Hero in Persian Book of kings

2. Olga Davidson

3. The problem of Ferdowsi, s sources

4. Dick Davis

انطباق آن با فصل بهار و فراغت نیروها و امکانات شهر مشهد را برشمرده است. احسان یارشاطر که مقیم امریکا است، با رویکردی متفاوت دی را که زادروز فردوسی است، نسبت به آغاز سرایش شاهنامه یا اتمام آن به عنوان روز فردوسی مناسب‌تر می‌داند. درنهایت در سال ۱۳۷۷ روز ۲۵ اردیبهشت ماه به عنوان روز فردوسی تصویب و از سال ۱۳۷۸ در تقویم‌ها ثبت شده. از آن زمان تا کنون هرساله همایش‌های مختلفی به بهانه این روز در شهرهای مختلف به ویژه مشهد برگزار می‌شود که تأثیر مثبتی در جهت پویاتر شدن جریان شاهنامه‌پژوهی داشته است.

برخی از موضوعات مهم در پیوند با شاهنامه و فردوسی که از غربال کردن مقالات به دست آمده، از قرار ذیل است:

- نقش شاهنامه در مقاومت ایرانیان در برابر فرهنگ اقوام مهاجم انکارناشدنی است (میهن دوست، ۱۳۶۹، صص ۱۲۴-۱۲۵).

- خداینامه مأخذ شاهنامه ابومنصوری بوده و شاهنامه ابومنصوری منبع اصلی شاهنامه فردوسی (بهار، ۱۳۶۹، صص ۵۷-۶۰).

- در پژوهش‌های متأخر، استفاده فردوسی از منابع شفاهی به شدت رد شده است (خالقی مطلق، ۱۳۸۰، صص ۵۵۹-۶۰۱).

- تدوین شاهنامه در سال ۳۸۹ ق. که در برخی مقالات راه یافته، نادرست است (فروغی، ۱۳۵۱، صص ۸۲-۸۳).

- سه تحریر شاهنامه در سال‌های ۳۸۴، ۴۰۰ و ۴۰۵ از سوی شاهنامه‌پژوهان برجسته پذیرفته شده است (ریاحی، ۱۳۷۰، صص ۴۸۷).

- فردوسی در به‌کار نبردن واژگان عربی در شاهنامه تعمدی نداشته است (حبیب‌اللهی، ۱۳۵۷، صص ۲۲-۲۶).

- بسیاری از شاهنامه‌پژوهان برجسته، پهلوی دانی فردوسی را با آنکه مورد پذیرش برخی از شاهنامه‌پژوهان قرار گرفته است، به شدت رد کرده‌اند (بهار، ۱۳۴۵، صص ۱۰۵-۱۳۶).

- عدد ابیات شاهنامه حدود ۴۸ هزار بیت است (خالقی مطلق، ۱۳۸۰، صص ۳۷۴).

- تقسیم شاهنامه به سه دوره اساطیری، پهلوانی و تاریخی نادرست است؛ زیرا به آسانی و با خطی روشن و مستقیم نمی‌توان سه دوره را از یک‌دیگر جدا کرد (مزدایور، ۱۳۶۹، صص ۵۳-۵۴).

- موضوع تقلیدی بودن هفت خان رستم و اسفندیار از یک‌دیگر نادرست است. مطابق سنت‌های بسیار کهن حماسی رایج در میان مردمان هند و اروپایی، هر پهلوان ناگزیر بود پس از برناشدن از خان‌هایی بگذرد تا به کمال برسد (سرکاراتی، ۱۳۵۷، صص ۱۴۵-۱۴۶).

- حامی فردوسی در آغاز نظم شاهنامه ابومنصور عبدالرزاق نبوده؛ بلکه پسر ابومنصور بوده که شاهنامه ابومنصوری را در اختیار فردوسی گذاشته و تا مدت‌ها از وی حمایت کرده است (خالقی مطلق، ۱۳۵۶، صص ۲۰۵-۲۰۸).

- ابیاتی که در آنها اعراب نکوهش شده‌اند، از الحاقیات شاهنامه است (خطیبی، ۱۳۸۴، صص ۱۴-۲۰).
- بیت «زن و ازدها هر دو در خاک به / جهان پاک از این هر دو ناپاک به» که بیشتر براساس آن فردوسی زن ستیز معرفی شده، سروده فردوسی نیست (آیدنلو، ۱۳۸۷، صص ۶۵-۶۸).
- از چند دلیل مشهور اختلاف محمود با فردوسی، تعصب دینی محمود (ریاحی، ۱۳۶۹: ۹-۱۵) و اختلاف نژادی وی با شاعر (امیدسالار، ۱۳۸۱، صص ۲۴۳-۲۴۶) با پژوهش‌های متأخر سست شده است.
- فردوسی بر عربی مسلط نبود. فرهنگ و زبان عربی به آسانی نمی‌توانست در طبقه دهقانان که پاسداران روایات ملی بودند، نفوذ کند (خالقی مطلق، ۱۳۵۵، صص ۱۰۲).
- زبان شاهنامه از زبان متداول مردم عصر فردوسی کهنه‌تر نبوده، زبان شاهنامه را مردم امروز پس از گذشت هزار سال می‌فهمند، چگونه ممکن بوده مردم روزگارش نفهمند (حبیب‌اللهی، ۱۳۵۷، صص ۲۳-۳۳).
- نشانه‌هایی از تندیس نخستین انسان در سیاوش نیز دیده می‌شود (خالقی مطلق، ۱۳۶۲، صص ۲۲۱-۲۲۶).
- منظور از مازندران در شاهنامه فردوسی شمال ایران نیست. اطلاق مازندران به طبرستان پس از فردوسی و از قرن ششم به بعد بوده است (کریمان، ۱۳۷۵، صص ۱۴۰-۱۵۱).
- رستم را باید در جایگاه حقیقی او؛ حماسه جست‌وجو کرد نه در اسطوره و تاریخ (سرکاراتی، ۱۳۵۷، صص ۱۱۸-۱۴۸).
- به احتمال زیاد شاهنامه مورد استناد شاعران معاصر فردوسی، شاهنامه فردوسی نبوده است (لسان، ۱۳۵۴، صص ۶-۷).
- بسیاری از اندیشه‌های خیام در شاهنامه وجود دارد (فروغی، ۱۳۱۳، صص ۱۵).
- کشتن افراسیاب خویش‌کاری کیخسرو بوده است. پشیمانی وی از کشتن نیا که در برخی مقالات آمده، نادرست است (ثاقب‌فر، ۱۳۴۹، صص ۱۷-۳۱).
- پژوهشگران شاهنامه را بیشتر با ایلید مقایسه می‌کنند و به بیان دیگر این دورا در یک ردیف می‌دانند، درحالی‌که ایلید تنها قابل مقایسه با یک داستان از داستان‌های شاهنامه است. شاهنامه از نظر موضوع و انگیزه سراینده آن بسیار بالاتر از منظومه‌های یونانی قرار دارد (بدوی، ۱۳۴۳، صص ۲۷۳-۲۷۴).
- نسخ موجود از شاهنامه اساسی‌ترین ابزار تصحیح شاهنامه است. پراکندگی این نسخه‌ها در جهان قابل تأمل است؛ آمریکا بالاترین تعداد شاهنامه‌های خطی جهان را مالک است. بدون آنکه کار فرهنگی قابل توجهی روی آن انجام داده باشد؛ شوروی با اینکه نسبتاً کمترین نسخه‌های شاهنامه را در اختیار دارد، در مقایسه با ملل دیگر بیشترین پژوهش‌ها را درباره شاهنامه صورت داده است. ترکیه پس از آمریکا بیشترین و باارزش‌ترین نسخه‌های شاهنامه را در اختیار دارد؛ هندوستان نیز از مراکز مهم چاپ و نگهداری شاهنامه بوده است؛ انگلستان که رابطه اقتصادی - فرهنگی طولانی با ایران داشته،

شاهنامه‌های موجود در آن کمتر از امریکاست (سرمدی، ۱۳۷۰: صص ۱۷۰-۱۷۱).
از خلال بررسی مقالات، روشن می‌شود که جای برخی پژوهش‌ها خالی است یا کمتر تحقیق شده است:

- روزگار فردوسی و شرایط سیاسی - اجتماعی آن بسیار دقیق مورد توجه پژوهندگان قرار گیرد.
- مطالعات عمیق و دقیقی درباره‌ی اندیشه‌ی فردوسی انجام شود. با توسعه‌ی صنعت چاپ در متن شاهنامه دخل و تصرف کمتر صورت می‌گیرد؛ اما اندیشه‌ی فردوسی در طول زمان مورد استفاده‌ی ابزاری قدرت‌ها بوده است.

- هویت حامیان فردوسی و کسانی که نقشی در پدید آمدن شاهنامه داشته‌اند، روشن شود. در پژوهش‌های انجام‌شده تنها کاری که صورت گرفته، اختلاف قرائت این نام‌ها بوده (اقبال، ۱۳۲۶، صص ۱۶۰-۱۶۱)؛ البته پژوهش محیط طباطبایی و خالقی مطلق در شناسایی پسر ابومنصور عبدالرزاق به عنوان شخصی که شاهنامه‌ی ابومنصوری را در اختیار فردوسی گذاشت و او را تا مدتی حمایت کرد، استثناست.
- شاهنامه با منظومه‌های پهلوانی ادب فارسی کمتر مقایسه شده است. در این ۱۰۰۷ مقاله تنها در دو سه مقاله شاهنامه با برخی از متون پهلوانی نظیر گرشاسپ‌نامه و کوش‌نامه مقایسه شده است.
- تأثیر شاهنامه در ادبیات عامیانه‌ی ملل همسایه اعم از نام‌ها، مضامین و حکمت‌های شاهنامه بررسی شود.

- جای پژوهش‌های دقیقی درباره‌ی فرهنگ عامه و آداب و رسوم ایرانیان در شاهنامه خالی است.
- دیباچه شاهنامه از بخش‌هایی است که هنوز پژوهش‌های زیادی می‌توان درباره‌ی آن انجام داد.
- دشمنی محمود با تشیع و ایرانیان به عنوان دلایل اختلاف محمود غزنوی با فردوسی از سوی برخی از پژوهشگران رد شده است. از این رو بررسی جدی اختلاف محمود با فردوسی در مطالعات حوزه‌ی فردوسی‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی ضرورت دارد.

- عناصر داستانی داستان‌های شاهنامه بررسی شود.
- برخورد حکومت‌ها و پادشاهان با شاهنامه به طور جدی مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.
- درباره‌ی «هروم» کشور زنان در شاهنامه (موسوی، ۱۳۵۴، صص ۱۶۷-۱۶۹) (در پادشاهی اسکندر) و مطابقت آن با منابع تاریخی بررسی شود.

- محمدجعفر معین‌فر کلمات عربی در شاهنامه را به زبان فرانسه نوشته است. ترجمه‌ی این کتاب با توجه به اهمیت آن از دیدگاه آماری ضرورت دارد.